



«سینما شهر قصه»: کیوان علی محمدی بعد از چهار همکاری مشترک با امید بنگدار در مقام نویسندگی و کارگردانی، با ساخت «سینما شهر قصه» به همراه علی اکبر حیدری (نویسنده دو اثر قبلی بنگدار و علی محمدی) در فضای جدیدی در سینما تجربه‌اندوژی کرده است. علی محمدی در فیلم‌های قبلی، سراغ کم‌دی نرفته بود و این مهم‌ترین تفاوت این فیلم با سایر فیلم‌های اوست. همان‌گونه که از نام فیلم پیداست، «سینما شهر قصه» قرار است مخاطب را با سینما به دنیای سینما برسد.



«خورشید»: این فیلم رامی توان یکی از پر حاشیه‌ترین فیلم‌های این دوره از جشنواره نعلید. فیلمی به کارگردانی مجید مجیدی که باز هم سراغ سوژه‌های اجتماعی رفته و در چند روز گذشته، با این اثر تحسین بسیاری از منتقدین را برانگیخته است.



جشنواره ۳۸ به روایت کلمات

تعارض؛ قصه‌ای درباره تنهایی

نوشته سحر مجلسی

یک فیلم روانکاونه خوش ساخت دیگر در جشنواره فیلم فجر امسال و اتفاقی امیدوارکننده و قلیل تامل.

«تعارض» فیلمی با روایت غیرخطی است که میان کابوس و رویا در رفت و برگشت است. موضوع فیلم حول تنهایی، لزوا، عشق و زندگی است. فرم ساختاری فیلم بسیار جذاب است و مخاطب با زاویه دید متفاوتی قصه را تماشا می‌کند.

محمد رضا لطفی در «تعارض (ریست)» برای بیان قصه‌اش به سراغ ساختار و فرم پیچیده‌ای رفته است که در عین پیچیدگی شما را به سفری ساده و آشنا به درون ذهن شخصیت می‌برد. رویکرد روانکاوانه این فیلم با تمرکز به متغیر «زمان» تعریف می‌شود و تفاوت کابوس یا رویا تنها با در نظر گرفتن این متغیر قابل درک است.

سفر به رویلها و درونیات آدم‌ها و حذف عنصر زمان یا گاه نادیده گرفتن آن، نکته قابل تاملی است که درباره این فیلم می‌توان عنوان کرد.

توجه به گذشته، حال و آینده و نحوه روایت‌گری ما از هر کدام از این مقاطع، یکی دیگر از ارجاعات فیلم است که در بستر توجه به نشانه‌های موسیقایی اثر بیشتر قابل تحلیل است؛ تعارض میان آن تصویری که از خودمان داریم و آنچه در واقعیت هستیم.

«تعارض» به عنوان دومین تجربه محمد رضا لطفی، ایده جالبی دارد و حضورش در جشنواره فیلم فجر می‌تواند امیدوارکننده باشد.

روز دوم

گزارشی از جذاب‌ترین و پر حاشیه‌ترین نشست‌های خبری جشنواره امسال:

جنگ قلم و میکروفن!

روز دوم

نشست حاشیه‌ساز: «شنای پروانه» (محمد گلرث) حاشیه‌ساز: پاتنه آ بهرام



داستان چه بود؟

در طول سال‌های اخیر، مدل لباس پوشیدن بازیگران به شدت مورد توجه عکاسان قرار می‌گرفت و تقریباً روزی نبود که تیرتی شبیه به «لباس نامتعارف بازیگر فیلم فلان» در خبرگزاری‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر نشود! امسال اما با تمهیدات برگزارکنندگان جشنواره در خصوص لغو فرش قرمز، به نظر می‌رسید دیگر شاهد چنین تیرتهایی نباشیم، اما لباس‌های خاص پاتنه آ بهرام در روز دوم جشنواره، نشست خبری فیلم محمد کارت را تا حدودی تحت الشعاع قرار داد، تا

اگرچه امسال برگزارکنندگان جشنواره به ساط فرش قرمز و عکس‌های مکش مرگ مای بعضی از بازیگران در جلسات پیش از نشست خبری را جمع و اخبار حاشیه‌ای جشنواره را کمتر کردند، نشست‌های خبری همچنان به قوت خود باقی مانده بود و تقریباً در همه روزها، نشست‌های خبری خالی از حاشیه و حرف و حدیث نبود. این حواشی نشان داد که ارتباط بین اهلی رسانه و سینماگران، جقدر سینوسی است و این رابطه‌ها خیلی از مواقع می‌تواند در دسرهای زیادی برای هر دو طرف ایجاد کند. در اینجا مروری داریم بر مهم‌ترین حواشی که خلستگاه آن‌ها، نشست‌های خبری جشنواره فیلم فجر بود.

پسند» در این روز پخش شد که عوامل آن بعد از پخش فیلم به سلن نشست می‌رفتند و بدون اتفاق خاصی سر ساعت بیرون می‌آمدند. اما این روز به ظاهر کم سروصدا هم یک دسته معترض داشت. یکی از خبرنگاران در این جلسه بلند شد و خطاب به سازندگان کار گفت: «فیلم خلاف قانون اساسی و شرع است و نتوانسته بی‌طرف بماند» اگر چه این نقد با آرمش بیشتری از جلب بهتاش صناعی‌ها پاسخ داده شد، ولی تند بودن لحن سوال‌کننده کاری کرد که آن را در این فهرست بگنجانیم.

روز اول

نشست حاشیه‌ساز: «قصیده گاو سفید» (بهتاش صناعی‌ها) حاشیه‌ساز: خبرنگار



داستان چه بود؟

اولین روز جشنواره در نشست‌های خبری، روز کم ماجرای بود. فیلم‌های «سه کام حبس»، «قصیده گاو سفید» و «عامه

نقدمهمان

اعتراضی عاقلانه و آرام؛ ضد هاری!

«خروج» فیلمی است که در آن کمتر به صورت «گل درشت»، مثل آثار سابق لرهیم حاتمی‌کیا از استعاره استفاده می‌شود و هر تشبیه بجا و خولناست، از نام رحمت گرفته تا پنبه و آبمنگین، شکل مذاکره، پارکینگ‌ملشین و...

نکته تامل برانگیز فیلم، معادلات و ریسک کارگردان بر خلاف رویه فروش و میشه است؛ شخصیت‌های اصلی پیر هستند و از زن جوانی مثل پلته پلته‌های ما هم استفاده‌ای خلاف رویه و با گریم سنگین شده است. فیلم به جای موقعیت‌های مکانی لاکچری و خله و ملشین‌های گران، در طول جاده و سووار بر تراکتور و با سادگی هر چه تمام‌تر می‌گذرد. لحن شیرین شخصیت‌ها، تلخی قصه را کم می‌کند و هر جقدر که در فیلم‌های امسال با نمایش گرم‌های لاینحل اجتماعی و دردها، لشک

مخاطب سرازیر بود؛ در «خروج» قرار بر آشک گرفتن نیست و اتفاقاً گویی کارگردان به تعمد، طنزهای شخصیت‌هایش را بیشتر کرده و در هر دو پلانی که خشونت وجود دارد، از زاویه دید کارگردان و با دوربین اونیست و با دوربین گوشه‌تلفن همراه و از زاویه شخص سوم است و ترجیح صاحب اثر بر تامل است تا شوربخشی، (هرچند که در بخش‌هایی خاصه در حرم حضرت معصومه (س) کمی از این هدف فاصله می‌گیرد)

عدل آباد؛ محل سکونت شخصیت‌ها با لهجه‌های متفاوت، خود یک کشور است که قرار بود عدالت‌آبادش کند اما حالا تعالی آن از داد ظمی که به آن‌ها روا شده به شهر پناه می‌برند؛ با تأیید مکرر بر دیدن رئیس جمهور و استفاده استعاری از وجه تسمیه پلستور، برخلاف موضع «گزارش یک جشن» که عصبانیت در قلاب دوربین بازی‌ها و با دیالوگ‌های شعاری و شلوغ کردن خیلان‌ها نشان داده می‌شد، اینجا چند صدایی منطقی است؛ قهرمان یک نفر است و حتی مشابه قهرمان‌های دیگر کارگردان نیست؛ هیچ جایی تلاش بر ارائه مغفقت سببسی یا اجتماعی ندارد و فریاد نمی‌زند و آرام‌پیش می‌رود و مرتب تأکیدی کند که هیچ، پی‌یارکنشی نیست و حاضر است مسیر اعتراض را

تنهایی طی کند، همان‌طور که در آخر هم تنهایی‌مانند.

«رحمت‌بخشی» شبیه «حاج کلطم» تیسست، چون لغال و بغض و سرگشتگی او را ندارد و حتی وقتی یحیی را از دست می‌دهد عزاداری آنجانی و بازی احساسی در این موقعیت از اونیستیم و به تعمد، فیلمساز او را مرد عقل می‌داند و ایستادگی؛ نماینده‌ای که احسنی عمل نمی‌کند و به طبع اعتراض عاقلانه‌اش باید به سر انجام برسد و این مطالبه را حق طبیعی خود می‌داند. همین حرف اصلی فیلم که در نشست خبری هم به آن تأکید شد؛ حق طبیعی وجود اعتراض مدنی صحیح و بی‌آشوب!

حاتمی‌کیا کسی را نماینده این اعتراض می‌کند که خود در گذشته مشوق دوست‌نش به حضور در جبهه بوده و آلوده سیلست هم نشده و عزلتی گرفته اما حالا با تملانی بی‌رحمی‌ها، دوباره به میدان می‌آید و هم‌نسلان خود را با تانک‌بدر ریش‌سفیدی به صحنه می‌کشند. مردی که عنوان رحمت دارد و هر جقدر که مورد غضب قرار می‌گیرد باز یا پس نمی‌گشند؛ کسی است که رفتارش احترام‌برنگیز است و با او

نمی‌توان سرکوب‌گر نه بر خورد کرد، حاتمی‌کیا انگار آدرس صحیح یک شه‌روند کنشگر را هم با رحمت‌بخشی به مخاطب می‌دهد و چه کسی بهتر از فرارز قریب‌بین می‌توانست اینقدر باطمینان در اکت و بانگاه‌های ناغذ و درست، با بازی در این شخصیت را به منزل مقصود فیلمساز برساند؟

این آرمش محتوایی در «خروج»، هر چند در برخورد لرهیم حاتمی‌کیا در حال حاضر کمتر وجود دارد اما فیلمساز دوست‌دشمنی و لغاب معترض سینمای ایران آداب اعتراض را در فیلم خود به بهترین شکل نشان می‌دهد و غیرمنصفانه است اگر تلاش او برای تفاوت در ساختار و گردگیری او از تفکر‌اش در رستای زدن حرف‌های تازه‌تر را نادیده بگیریم.

سینمای او هنوز تأثیرگذار است و لحن شیرین «خروج» با اغماض بر دقایق کوتلخی که از ریتم می‌فند، همچنان جذاب است و لمضای آقای کارگردان را دارد؛ لمضایی دوست‌دشمنی که سال‌های زیادی است مخاطب همراهش را دارد و تمام نشده است و خاک روی آن رانگرفته است.